



یونسکو و آموزش ویژه برای معلولان

پدیدآورده (ها) : نیلس - ایوارسنسندبرگ
علوم اجتماعی :: پیام یونسکو :: فروردین 1353 - شماره 56
از 31 تا 33

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/818917>

دانلود شده توسط : عمومی user2314
تاریخ دانلود : 28/03/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

یونسکو و آموزش ویژه برای معلولان

نوشته نیلس - ایوارسندبرگ

آموزش معلولان هر سال اهمیت بیشتری در کارهای یونسکو کسب می‌کند. انتشار اطلاعات مربوط به تعداد معلولان در جهان نیاز فوری به همکاری بین‌المللی را برای پی‌بردن به اهمیت همه جنبه‌های این مسئله وسیع آشکار ساخت. تعداد معلولان را در جهان در حدود چهارصد میلیون نفر تخمین می‌زنند و این رقم تقریباً معادل جمعیت مشترک دو کشور ایالات متحد آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است. بیشتر این معلولان نه آموزش دیده‌اند و نه تخصصی. ولی کوشش‌های یونسکو برای کمک به آموزش این افراد و بهبود زندگی آنان چندین سال است که همچنان افزایش می‌یابد.

یونسکو با اینکه وجوه نسبتاً ناچیزی در اختیار خود دارد ولی فعالیت‌هایش روی این مسئله در سطح جهانی موثر واقع شده است. یکی از مهمترین هدف‌های یونسکو جلب توجه مردم به اینست که آموزش معلولان وظیفه مشترک همه ملت‌هاست ولی به‌یچوجه امتیاز ترحم‌آمیزی نیست که بدانان داده شود. از این رو مثلاً در ایالات متحده تخمین می‌زنند که معلولان در سایه کار و کوشش خود سی و پنج برابر پولی را که جامعه برای توان بخشی آنان خرج می‌کند، عاید جامعه می‌سازند. یک فرد معلول طی ده سال کار و تنها از راه پرداخت مالیات، می‌تواند کلیه مخارج توان بخشی خود را تادیه کند (بمقاله صفحه ۱۵ مراجعه کنید).

در آمریکای مرکزی عده‌یی از معلولان را که در مناطق کشاورزی و دورافتاده زندگی می‌کنند به پایتخت فرستادند. هر یک از آنان در آنجا حرفه‌یی مانند آرایشگری، خیاطی، درودگری و مرمت رادیو آموختند و پس از بازگشت به روستاهای خود پولی بدست آوردند که سه یا چهار برابر مبلغی بود که آنان اگر کارگر کشاورزی عادی بودند، می‌توانستند بدست آورند.

یونسکو اندکی پس از بنیاد خود در ۱۹۴۶

نیلس - ایوارسندبرگ «Nils-Ivar Sundberg» از اهالی سوئد است. او مدیریت برنامه یونسکو را درباره آموزش کودکان و جوانان استثنایی از همان آغاز اجرای آن در ۱۹۶۸ برعهده دارد. او که قبلاً مدیر آموزش خاص در استکهلم و استاد مدرسه آموزش استکهلم بود، مدت نه سال در اداره ملی آموزش سوئد برای همه مسائل مربوط به آموزش ویژه معلولان از آن جمله تربیت استادان و تهیه و تنظیم برنامه‌ها سمت مشاور داشته است.

به حل مسئله‌یی که آموزش میلیون‌ها قربانی بیگناه دومین جنگ جهانی بوجود آورده بوده، علاقه نشان داد. آن سازمان میزان نیازمندی‌ها را در زمینه آموزش ویژه معلولان برآورد کرد. این آموزش نه تنها به اشخاص نابینا، ناشنوا، معلولان بدنی و روانی بلکه به کودکان بیشمار هم که سیستم اعصاب‌شان بر اثر جنگ آسیب دیده بود، اختصاص داشت.

طی این سال‌های نخستین، یونسکو برای راهنمایی مریبان همه کشورها حاصل یک رشته بررسی‌ها را درباره تصمیمات و تدابیر ملی و بین‌المللی که می‌بایست برای مقابله با وضع اتخاذ گردد، منتشر کرد.

یونسکو به همکاری بین‌المللی در زمینه آموزش نابینایان توجه خاصی داشت. این موسسه اندکی پس از تاسیس خود، درباره مسائلی که از برقراری الفبای یکنواخت برای «خط برجسته مخصوص نابینایان» در دنیا جلوگیری می‌کردند، به مطالعات وسیعی پرداخت و برای این منظور از کارهای «سرکلوماکنزی» از هالی ولاندنو استفاده کرد. این شخص به علت آسیبی که در جنگ جهانی اول دیده بود، بینایی خود را از دست داده بود و از مدافعان خستگی‌ناپذیر منافع نابینایان بشمار می‌رفت. هدف وی این بود که الفبایی برای نابینایان بوجود آورد که همه بتوانند آنرا بی‌پذیرند و بشود آنرا در همه زبان‌ها بکار برد و بدینسان به آرزوهای «لویی برای» استاد نابینای فرانسوی که به سال ۱۸۲۹ این الفبا را اختراع کرد، تحقق بخشد. الفبای «برای» از خط و نقطه‌های برجسته‌یی تشکیل شده است و اشخاص نابینا می‌توانند به کمک انگشتان خود آنرا بخوانند. «لویی برای» یقین داشت که شیوه اورا می‌توان در هرزبانی بکار برد ولی چون هنگام اختراع آن هنوز هیچگونه موسسه بین‌المللی وجود نداشت تا یکنواختی این الفبا را در جهان امکان‌پذیر سازد از اینرو طی سال‌ها «روش برای» بطور فراوان و به اشکال مختلفو نامتشابه در بسیاری از کشورها بوجود آمدند. همچنانکه مقاله‌یی در مجله کوریه یونسکو شمار «مارس سال ۱۹۵۲» خاطر نشان می‌سازد: تقریباً از همان ابتدای امر شیفتگان عقیده «برای» در بسیاری کشورها با ترکیبات وی شعبده‌بازی آغاز کردند و از آن معجون‌های گوناگون ساختند. دیری نپایید که ترتیب یکسانی از گروه شش نقطه‌یی نه تنها در زبان‌های مختلف بلکه در یک زبان واحد با حروف مختلفی مطابقت کرد. مثلاً در انگلستان

در ۱۸۶۸ کمتر از پنج روش وجود نداشت و کتاب مقدس به این پنج شیوه چاپ شده بود. در همان سال جمعیت نابینایان بریتانیا و کشورهای خارجی که امروزه «انجمن ملی برای نابینایان» نامیده می‌شود به نفع «برای» اصلی و اولیه رای داد. در ایالات متحد آمریکا سه شیوه مورد استفاده قرار گرفتند. شیوه اول «برای» فرانسوی بود که در انگلستان هم از آن استفاده بعمل می‌آمد. شیوه دوم شکل تغییر یافته شیوه اول بشمار می‌رفت و این تغییر شکل مبتنی بر این اصل بود که حروفی که بیشتر از همه تکرار می‌شوند باید بوسیله خطوطی که کمترین نقطه را دارند، نشان داده شوند و اما شیوه سوم مبتنی بر این بود که محور اصلی «برای مربع مستطیلی» از عمودی به افقی تغییر داده شود.

در ۱۹۳۲ انگلستان و ایالات متحد آمریکا توافق کردند تا «برای انگلیسی یکسان» بوجود آورند و این همان شکل مختصر شده و موجزی است که اکنون در همه کشورهای انگلیسی‌زبان پیوسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. زبان آلمانی، زبان یونانی جدید و زبان عبری هم با اینگونه شیوه‌های متنوع و نامتشابه سروکار پیدا کردند ولی سرانجام از آنها دست کشیدند و به «برای» اولیه بازگشتند. در شیوه‌یی هم که در اسپانیا، پرتغال و در کشورهای آمریکای لاتین بکار می‌رود، تفاوت‌هایی ظاهر گشت. در نتیجه این علل شده، یعنی وجود خط‌های مختلف و فقدان هرگونه علامت قراردادی برای نشان دادن پدیده‌هایی که باز نویسی آنها با الفبای لاتین امکان‌پذیر نبود روش‌های «برای» در زبان‌های آفریقایی و آسیایی بی‌نظمی و آشفتگی بیشتری پیدا کردند.

«این شرایط یونسکو را در ۱۹۴۹ بر آن داشت تا حل مسئله یک الفبای واحد جهانی را برای نابینایان رسماً برعهده گیرد.» در ۱۹۵۴ یونسکو اثر سرکلوماکنزی را بنام «الفبای برای جهان» که باید پایه و اساس کار قرار گیرد به زبان فرانسه، انگلیسی و اسپانیایی منتشر کرد و این برای نابینایان سراسر جهان نقطه تحولی بود. بقول هلن کلر قهرمان، بانوی نابینا و ناشنوی آمریکایی که مقدمه‌یی بر آن نوشت: «این اثر به «برای» امکان داد تا از درون جنگل رمزها خارج شود و به صورت یک پیام جهانی درآید.» هم‌اکنون انتشار اثر دیگری تحت مطالعه است. این اثر جدیدترین فرضیه‌ها و نتایج تازه‌ترین پژوهش‌ها را در این موضوع دربر قبّه در صفحه بعد

خواهد داشت.

از ۱۹۶۶ کار یونسکو در زمینه آموزش معلولان رفته رفته اشکال واقعی تری بخود گرفت و اهمیت بیشتری یافت. در همان سال کنفرانس عمومی یونسکو به اتفاق آراء راه حلی را تصویب کرد که با چند جمله مختصر و ساده ضرورت همکاری بین همه موسسات مربوط به پژوهش های آموزشی را در پرتو مطالعه مسائلی که معلولان مطرح می سازند خاطر نشان می ساخت. این راه حل بر ضرورت مبادله بین المللی اخبار و اطلاعات، به تاسیس موسسات مربوط به مطالعات آموزشی و به ادامه پخش وسیع همه اخبار و اطلاعات مربوط به نظام های مختلف آموزشی که به معلولین اختصاص دارند، متکی بود.

در ۱۹۶۸ يك برنامه ویژه آموزشی به وسیله یونسکو تهیه و اجرا شد. از آن پس یونسکو ارتباط خود را با موسسات متعدد ملی و بین المللی که برای معلولان کار می کنند پیوسته حفظ کرده است. علاوه آن مجری يك برنامه عمومی است که به انتشار بررسها درباره آموزش اشخاص نابینا و ناشنوا، معلولان بدنی و روانی اختصاص دارد. یونسکو علاقه مند است که درباره آموزش معلولان کارشناسان و مشاورانی به کشورهای جهان روانه کند و برای تربیت معلمان و مربیان بورس هایی اختصاص دهد و برای تامین وسایل و تجهیزات مورد نیاز معلولان بعنوان يك رابط عمل نماید و بدینوسیله دامنه همکاری بین ملتها را گسترش دهد. از ۱۹۶۸ تقریباً در پنجاه کشور جهان متجاوز از صد طرح مربوط به آموزش ویژه تهیه و اجراء شد، و هزینه انجام بیشتر این طرحها بوسیله کمکهای بلاعوض تامین گردیده است.

مثلاً دولت دانمارک با همکاری یونسکو در ۱۹۶۸ يك سمینار آموزشی برای مربیان معلولان در کشورهای آفریقایی و در ۱۹۶۹ سمینار دیگری برای معلمان عرب که آموزش نابینایان را برعهده دارند، ترتیب داد. يك سال بعد يك دوره شش هفته ای برای معلمان که عهده دار آموزش افراد نابینا هستند در تابورا در تانزانیا غربی تشکیل شد. قسمتی از هزینه این کلاس را کمک ده هزار دلاری دانمارک و قسمت دیگری رادولت تانزانیا تامین کرد. شرکت کنندگان در این کلاس با بهترین شیوه های آموزش «برای» به زبانهای محلی وانگلیسی آشنایی حاصل کردند. علاوه وجوه جمع آوری شده، خرید لوحه های مخصوص الفبای برای، ماشین تحریر و دیگر لوازم و وسایل را امکان پذیر ساخت.

دولت هلند چهار بورس به چهار معلم تانزانی اختصاص داده است تا در کشور هلند راجع به شیوه های آموزش افراد نابینا و ناشنوا مطالعاتی انجام دهند و با آن شیوه ها آشنایی حاصل کنند. هزینه سفر این چهار نفر را حساب مخصوص کمکهای بلاعوض یونسکو برای آموزش ویژه عهده دار شد. بورس های مشابهی هم به کارمندان اداری و آموزشی بسیاری از کشورهای دیگر آفریقایی و آسیایی اختصاص داده شده است.

حساب مخصوص بلاعوض برای آموزش

ویژه که در ۱۹۶۷ بوجود آمد، تاکنون ۶۲،۶۰۰ دلار دریافت کرده است. قسمت بیشتر این وجوه را کشورهای کامبوج (۱۰۰۰ دلار)، دانمارک (۱۰۰۰۰ دلار)، فنلاند (۱۰۰۰۰ دلار)، غنا (۵۰۰ دلار)، هند (۶۰۰۰ دلار)، ایران (۳۰۰۰ دلار)، اسرائیل (۱۰۰۰ دلار)، مالت (۵۰۰ دلار)، مراکش (۲۰۰۰ دلار)، نروژ (۱۰۰۰۰ دلار)، سوئد (۱۰۰۰۰ دلار)، یوگوسلاوی (۵۰۰ دلار)، و نیز علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران (۲۰۰۰ دلار)، و فرماندار مالت (۶۰۰۰ دلار) و قسمت کمی از آنرا اشخاص خصوصی در دانمارک و فرانسه به حساب مزبور واریز کرده اند.

یونسکو از این کمکها برای اجرای برنامه هایی در کوستاریکا (سمینار درباره آموزش معلولان روانی)، کوبا (تربیت معلم برای کسانی که دچار نقص بینایی هستند)، جمهوری عربی مصر (بوس تحقیقاتی به منظور مطالعه درباره تولید لوازم و وسایل آموزشی برای معلولان)، ایتوی (لوازم وسایل برای نابینایان)، غنا (بوس برای طرح ریزی آموزش خاص)، اندونزی (بوس برای رفع نقص قوه بیان)، ایران (برنامه ریزی برای آموزش معلولان روانی)، عراق (تربیت معلم برای معلولان روانی)، لیبیا (لوازم و وسایل آموزشی برای ناشنویان)، سیرالئون (بوس برای معلولان بدنی)، تانزانی (کلاسهای آموزش معلم برای نابینایان و بورسهای برای آموزش نابینایان و ناشنویان) و ونزوئلا (تربیت معلم برای معلولان روانی) استفاده کرده است.

یونسکو در پاسخ تقاضای دولتهای عضو کارشناسانی به همه نقاط جهان فرستاده است. مثلاً هیئتی برای مدت سه ماه به گواتمالا اعزام شده است تا راجع به گسترش آموزش ویژه در همه کشورهای آمریکای مرکزی و پاناما اطلاعاتی بدست آورد و نظرهایی بدهد. بمنظور کمک به تشکیل کلاس تربیت معلم برای اشخاص ناشنوا، مشاوری به سوریه عزیزت کرده است. يك کارشناس سوئسی به ماداگاسکار رفته است تا در آنجا اداره سمینار معلمان این کشور، را برعهده گیرد. معلمان که در این سمینار شرکت کرده اند، آموزش ناشنویان را برعهده دارند. در سایه این ماموریت برقراری تماسهای دائم بین گروههای ناشنویان در ماداگاسکار و زنو امکان پذیر گشته است.

برای کمک به معلولان، آغانه هایی از طریق برنامه مبتکرانه کوینها تعاونی یونسکو به سوی تقریباً بیست کشور در حال توسعه جریان دارد. در این کشورها، گروه ها یا موسسات می توانند در پرتو این کوینها که قابل تبدیل به پول هستند، لوازم و وسایل آموزشی را که از کشورهای صنعتی وارد می شوند، بدست آورند. این کوینها را که یونسکو صادر می کند نوعی چک یا حواله پرداخت محسوب می شوند، ممکن است از مرکز یونسکو در پاریس بدست آورد و آنها را می توان برای گروه هایی در کشورهای دیگر فرستاد. این گروه ها می توانند برای خرید کتب و وسایل آموزشی از فروشندگان هر نقطه جهان که باشد آنها را بکار ببرند. فروشنده این کوینها را دوباره به یونسکو می فرستد و یونسکو معادل آن پول را به وی پرداخت می کند.

معلولان روانی و حقوق انسانی

مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۷۱ حقوق معلولان روانی را اعلام کرد و مقرر داشت که این حقوق از این پس باید در سطح ملی و بین المللی و در چهارچوب حقوق انسانی مورد حمایت قرار گیرند. ما نکاتی چند از تصمیم ملل متحد را در زیر با اطلاع خوانندگان می رسانی:

۱- معلول روانی حتی الامکان باید مانند سایر افراد انسانی از حقوق مشابه، برخوردار گردد.

۲- معلول روانی حتی در مواردی که از مراقبتهای پزشکی، درمانهای بدنی متناسب، آموزش و پرورش و عملیات توان بخشی و از راهنمایی هایی که در شکوفاساختن حداکثر تواناییها و استعدادهايش بوی کمک می کنند، بهره گیرد.

۳- معلول روانی حق دارد که از امنیت اقتصادی و از يك سطح زندگی مناسب استفاده کند و تا حدی که برایش مقدور است حق دارد که کار، تفریحی انجام دهد یا به هر کار مفید دیگری بگمارد، شود.

۴- معلول روانی در صورت امکان باید در آغوش خانواده خود یا در کانونی که او را به فرزندی می پذیرد زندگی کند و در اشکال مختلف زندگی دسته جمعی شرکت جوید. کانونی که او در آنجا بسر می برد باید کمک دریافت نماید. اگر ضرورت داشته باشد که از او در مؤسسه خاصی نگهداری کنند در این صورت محیط و شرایط زندگی او حتی الامکان باید به محیط و شرایط زندگی عادی نزدیک باشد.

۵- معلول روانی چنانچه ضرورت داشته باشد که يك قیم از او و اموالش حمایت کند، باید بتواند از وجود يك قیم صلاحیت دار بهره مند گردد.

۶- معلول روانی باید در مقابل هرگونه استعمار، هرگونه تعدی و اجحاف یا هرگونه رفتار حقارت آمیز، مورد حمایت قرار گیرد.

یکی از فعالیت های تبلیغاتی برای استفاده از کوینها تعاونی یونسکو اخیراً به وسیله جمعیت جهانی دختران پیشاهنگ ترتیب داده شد. این جمعیت از همه اعضای خود دعوت کرد تا به آموزشگاهی که انجمن پیشاهنگی نیجریه برای دختران معلول در لاگوس تاسیس خواهد کرد، کمک کنند.

کوینها تعاونی برای خرید لوازم و وسایل جدید بوسیله دانشسرای حرفه ای جهت تربیت معلم برای اشخاص ناشنوا و نابینا و معلولان بدنی و روانی در مکزیکو هم مورد استفاده قرار گرفته اند، مربیانی که در این دانشسرا تربیت می شوند برای آموزش کودکان معلول در سراسر آمریکای لاتین مربیان دیگری

کارشناسان اوروگوئه معتقدند، آنچه اهمیت اساسی دارد آنست که خیلی زود بیماری تشخیص داده شود تا درمان مؤثر افتد، ولی اگر فوریت اقدام به درمان نشود این تشخیص گریه از کار نخواهد گشود. مرکز شناسایی بیش از زایش و رشد انسانی در آمریکای لاتین دوره‌هایی برای متخصصان زایمان، پزشکان کودکان، معلمان و کارشناسان ترتیب داده است.

بدین ترتیب با سهولت بیشتری می‌توان خیلی زود کودکانی را که در معرض خطر قرار دارند یا مادر و نوزاد راتحت درمان قرار داد. پزشکان، پرستاران و معلمان نسبت به عوامل روانی، شرایط اجتماعی و نوع روابط خانوادگی که می‌توانند بر جریان هوش و شخصیت اثر بد یا خوب داشته باشند، حساسیت بیشتری پیدا می‌کنند.

سال ۱۹۷۱ برای کسانی که به عقب ماندگان ذهنی خدمت می‌کنند، سالی تاریخی است، در واقع در این سال، سازمان ملل متحد، بیانیه حقوق عقب ماندگان ذهنی را تصویب کرد. این بیانیه قبلاً توسط اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های کمک به عقب ماندگان ذهنی اعلام شده بود. بدین ترتیب اصل ادغام عقب ماندگان ذهنی در جامعه، بی‌هیچ ابهام و تردید، پذیرفته شد.

این بیانیه هم‌چنین نوعی اعلام هدف است، به این معنی که نحوه عمل باید طوری باشد که طی این دهه، هر نوع سیاست تبعیض گرایانه و حتی بی‌اعتنائی عمومی نسبت به عقب ماندگان فکری که در بسیاری نقاط وجود دارد، از میان برود.

اصطلاح و نقایص چندگانه معمولاً شامل جمع دو نقص اولیه یا بیشتری می‌شود. مثل نابینایی که بلحاظ ذهنی عقب مانده‌اند یا ناشنوایی که اختلالات روانی دارند.

تربیت معلمان تا مدت‌های دراز طوری بود که آنان را فقط در تعلیم یک دسته از دارندگان نقص تخصص می‌بخشید. بنابراین امروزه مشکل می‌توان کسانی را یافت که قادر به حل تمامی مسائلی باشند که دارندگان نقایص چندگانه

نقایص چندگانه

طرح می‌سازند. اما از آنجا که همه معلولان به یک تمیز، واجد نقایص چندگانه هستند، غالباً نه تنها لزوم برنامه‌های سنتی برای تربیت معلمان مخصوص، بلکه تمام سازمان خدماتی که برای کمک به معلولان بوجود آمده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. ناتوانی‌ها، نسبت به درمان کسانی که در بدترین حالات قرار دارند، می‌تواند آنچه را که برای همه معلولان سودمندتر است، به گونه‌ی روشن‌تر به ما بفهماند. در عمل طی دهه جاری، مطالعات و تحقیقات ممکن است در وهله اول، در زمینه گزینش، پرورش، کارآیی کسانی متمرکز شود که می‌بایست به کار معلولان بپردازند.

یکی از رویدادهای مهم دهه اخیر، رشد و توسعه یک دانش نو است: دانش کاربرد معلومات علمی، که گردآوری، تحلیل، پخش و کاربرد اکتشاف‌های مولود تحقیقات را به عهده دارد.

از میان اصول‌شایسته‌ی که توجه را بخود جلب کرده و تغییراتی در امر آموزش بوجود آورده‌اند، می‌توان موارد زیر را نام برد:

● هرچه تشخیص یک نقص زودتر انجام گیرد و هرچه سریع‌تر نسبت به درمان آن اقدام شود، امکان بیشتری برای تضمین رشد آتی کودک بوجود می‌آید. برای هر نوع نقص، برنامه‌های ویژه‌ی در دوران پیش از مدرسه وجود دارد. این برنامه‌ها اثرات نقص اولیه را تخفیف می‌دهند و از رشد نقایص ثانوی پیش‌گیری می‌کنند.

● امروزه عقیده بر اینست که درجهان مختلف هوش آنقدرها که تا کنون تصور می‌رفت، ثابت و تغییرناپذیر نیستند. تحقیقات متعدد، به رد نظریاتی منتهی شده‌اند که برطبق آنها توانایی فکری یک کودک را نمی‌توان چندان افزایش داد. این تحقیقات نشان‌دهنده قابلیت انعطاف و انطباق زیاد هوش، به‌ویژه در رابطه با تجارب سنین اولیه زندگی است، یعنی در رابطه بانحوه تربیت کودک، انتظاری که والدین از این تربیت دارند، محرومیت‌ها یا کمبودهایی که کودک احساس می‌کند، اثرات اعمال کودک بر رفتار

والدین و بالعکس، و جز آن.

● نتایج آزمونهای هوش، به‌ویژه در مورد کودکان خردسال و معلول، در پیش‌گویی رشد آینده هوش ارزش زیادی ندارند. بدین ترتیب نتایج آزمونهای «ضریب هوش» فقط برای تعیین سطح فکری یک کودک در یک لحظه معین اعتبار دارند، و بهیچ‌روی نباید آنها را در گروه‌های فکری ثابت و تغییرناپذیر طبقه‌بندی کرد.

● کودکان معلول، برای آنکه به بهترین نحو رشد کنند، نیاز به چند معلم دارند. والدین با راهنمایی معلمان کاردان، می‌توانند در مراحل اولیه رشد، کمکهای ارزنده‌ی بکنند. تغییر دادن اعمال تربیتی و رفتار والدین ممکن است مهم‌ترین هدف آموزش استثنائی طی دهه آینده قرار گیرد.

● آموزش یکی از ثروتهای جامعه است و معلمان بخشی از آن را در اختیار دارند. تمام اعضای جامعه می‌توانند به معلولان یاری دهند تا با رضای خاطر و خوشبختی زندگی کنند. محیطی که آموزش در آن جریان می‌یابد، تأثیری عمیق بر کودک می‌گذارد. و اگر کودک معلول در بنیادها و مؤسسات جداگانه‌ی محبوس‌شود، جای شگفتی نخواهد بود که خود او هم «بنیادی» شود. به این سبب است که ترتیبات جدیدی مورد آزمایش قرار گرفته‌اند تا معلوم شود بهترین نحو «عادی کردن» یا «ادغام» معلولان در جامعه کدام است.

آموزش استثنائی اگر بخواهد به‌هدفی که برای خود معین کرده، نایل آید، لازم است که معلم از این پس بطور مداوم کسب اطلاع کند و ذهن خود را باز نگاهدارد. او باید آماده باشد که درجه تأثیر روش‌های مختلف را ارزشیابی کند و نیز بتواند بیرون از کلاس، عناصر و عواملی را که می‌توانند به‌زندگی و شکوفایی شاگردانش کمک کنند، باز شناسد. در این حال است که یک هیئت آموزشی کاملاً کاردان، می‌تواند به‌ابزار ویژه‌ی مبدل شود که بسیاری از کودکان معلول را در بدست آوردن یک زندگی آمیخته با خوشبختی یاری کند.

جون مک کنا

به سیصد میلیون نفر معلول در کشورهای در حال توسعه که دلیرانه مبارزه می‌کنند تا بر ناتوانی و عقب‌افتادگی خود فایق آیند و اعضای فعال و مفید جامعه گردند تاکنون کارهای زیادی انجام شده است، ولی باز اقدامات بیشتری باید صورت گیرد. اگر کلیه وجوهی را که موسسات وابسته بملل متحد برای توان‌بخشی این عده معلول اختصاص داده‌اند به اضافه کمکهای بین‌المللی و دولتی و کمکهای داوطلبانه مردم بین آنان بخش کنیم رقمی بدست می‌آید که از یک سنت برای هر شخص معلول تجاوز نمی‌کند و این بدان‌معنی است که برای معلولان کشورهای در حال توسعه مجموع پولی که خرج شده سه‌میلیون دلار است.

جمع‌آوری گردید برای خرید کتبی که به‌الفبای «برای» نوشته شده‌اند و نیز برای خرید لوازم و وسایل آموزش برای نابینایان بکاررفت. کشورهای متعددی تاکنون از این کمک بهره‌مند گردیده‌اند که از آن جمله می‌توان قبرس، غنا، ایران، مالی، مکزیک و جمهوری عربی سوریه را نام برد.

آموزش یک مسئولیت ملی و در عین حال بین‌المللی است و این در مورد آموزش خاص برای معلولان هم صدق می‌کند. اوتانت در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱ هنگامی که دبیرکل سازمان ملل متحد بود در نیویورک نطقی ایراد کرد که وضع وخیم معلولان را به بهترین وجه نشان می‌دهد. او طی سخنرانی خود چنین گفت: برای کمک

را تربیت خواهند کرد. در غنا کویتهای تعاونی به مدیر «مدرسه تربیت معلم برای ناشنوایان» امکان داده‌اند که از اروپا و آمریکا بلندگوهای دسته‌جمعی و سمعک‌های انفرادی بخرند.

یونسکو با همکاری سازمان جهانی برای پیشرفت اجتماعی نابینایان برنامه ویژه‌ی بنام «کتاب برای نابینایان» در ۱۹۷۲ تهیه و اجراء کرد. انجام این برنامه برای جمع‌آوری پول و اعانه به نفع معلولان یکی از توفیق‌آمیزترین اقدامات بوده است. با پشتیبانی مشترک یونسکو و کمیسیون ملی یونسکو در آمریکا، مجلس جشنی به وسیله هنرمند بزرگ و خواننده آمریکایی سامی دیویس در پاریس ترتیب داده شد. سی و پنج هزار دلاری که بر اثر این جشن